

بند شانزدهم

وجوه اهمیت فلسفه اجتماعی و تعلیم و تربیت

در ایران باستان

چنانکه تا کنون رفته رفته دریافته ایم فلسفه اجتماعی و تعلیم و تربیت ایرانیان عصر هخامنشی بر روی بنیاد تربیت قومی ایرانیان اوستائی پی ریزی شده بوده . در عین حال گستردن نفوذ سیاسی ایرانی در جهان قدیم و توسعه روابط کوناگون ایرانیان با مملکت همزمان خویش و مقتضیات مسئولیت جهانی آنها هر یک بنوبه خود در فلسفه تربیتشان مؤثر و ذی‌مدخل بوده است .

اردریچه چشم
محققین اینزمان

تا ایشمقام ما . با پشتیبانی مدارک زبده و استوار چگونگی آنرا تاحدی که ممکن بوده بررسی نموده‌ایم در پایان این گفتار شایسته میدانیم میزان نسبی اهمیت فلسفه اجتماع و تعلیم و تربیت نیاکان را در دوره هخامنشی از دیده بازرسان قرنهای اخیر و محققین اروپائی و امریکائی همزمان خودمان بنگریم .

یگمان ایرانیها . بویژه طبقه اشراف و برجستگان قوم . در نتیجه آمیزش با مملکت قدیمتر و در اثر گرد آوردن دارائی بسیار و رفته رفته خوی گرفتن بزندگان می‌لایم و تجمل پرستی . بخصائلی نكوهیده و ناپسندیده آلوده گردیدند . دلیل آن نیز اینست که سرانجام شیرازه خداوندی آنها از هم پاشیده شد . اما در اینگفتار تنها خصائصی مورد بررسی قرار گرفته که مایه بخش نیروی حقیقی ملی آنان بوده و در دوره اول پاری اینخصائص هنوز در آنها سست نگردیده بوده است .

حنیه منفی
رد کی ایرانیها

از دیدۀ تاریخ تعلیم و تربیت اهمیت چگونگی سیر تمدن
 و پرورش ایران باستان را از لحاظی چند باید نگریست:
 نخست آنکه ایرانیان یکی از بزرگترین ملل قدیمه عالم میباشند که در
 سوق و جریان تاریخ جهان تاثیرات بس مهمی داشته و بزرگترین امپراطوری را در
 زمانهای پیشین . از دیدۀ تحولات تاریخی و تسریع تطور مطلوب تمدن بشری
 ایرانیان ایجاد نمودند .

دوم آنکه سیاست ملی ایران عصر هخامنشی نسبت بتعلیم و تربیت خردسالان
 طوری بوده که توجه و دل بستگی برخی از باریک بین ترین بینندگان و دانشمندان
 عصر باستانی را مانند هرودوت ۱، افلاطون ۲، گزنفون ۳، کتسیاس ۴، استرابون ۵،
 و دیگران جلب نموده است .

سوم آنکه در امتداد سالیان دراز تفوق سیاسی و فعالیت های ایران در زمینه دانش و
 اخلاق و صنایع ظریفه دارای کیفیتی است که ایران را در ردیف اول ملل قدیمه قرار میدهد .

تمدن اوستائی و آئین ایران باستان متضمن تمام خصوصیات
 معقول روحی و تربیتی است که برای ارتقاء و اعتلای هر مردمی
 در هر عصر و زمانی کفایت مینماید . آنچه موجب ارتقاء ایرانیها

اندوخته های معنوی
 و موروثی

در دوره هخامنشی گردید همین اندوخته های معنوی موروثی ایرانیها بوده و علل
 عمده ضعف هخامنشیان در اواخر و انحطاط ساسانیان در زمان دیرتر غفلت و دوری
 از این مبانی بوده است . این خصوصیات اجتماعی و تربیتی چیزهایی است که تمدن
 معاصر اروپا اساس سیادت مدنی خود شمارد و بنصدیق بزرگترین نویسندگان قدیم

۱ - هرودوت Herodotus تاریخ نویس یونانی (۴۸۴-۴۲۵ ق. م.)

۲ - افلاطون Platon فیلسوف شهیر یونانی (۴۲۷-۳۴۷ ق. م.)

۳ - گزنفون Xenophon تاریخ نویس و سر لشکر آتنی (۴۳۴-۳۵۵ ق. م.)

۴ - کتسیاس Ktesias پزشک یونانی در دربار اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴-۳۶۱ ق. م.)

۵ - استرابون Strabon دانشمند جغرافی دان یونانی (۶۳-۲۱ ب. م.)

تعلیم و تربیت ایران باستان

و عصر جدید همین خصوصیات تربیتی و مدنی در ایران باستان وجود داشته است. نویسندگان بزرگ که معاصر دوره هخامنشی و یا دیرتر بوده‌اند با برانگیزاننده‌های درونی ایرانیان باستانی و پر مایگی آئین ایران باستان آشنا نبوده‌اند ولی آنها تنها نتایج تربیت و مدنیت ایرانیها را میدیدند و در ضمن شرح سیر تمدن عصر هخامنشی ما تنها نتایج سبک تعلیم و تربیت ایرانیهای قدیم را از دریچه چشم آنها ذکر نموده‌ایم.

همچنانکه نویسندگان و مورخین پیش از میلاد تمدن و تربیت ایران دوره هخامنشی را مورد مطالعه و تقدیر قرار دادند و شمه ای از خواطر و آراء آنها را ذکر نمودیم همانگونه ایرانشناسان اینعصر نیز آنها را با دیده کنجکاوی نگریسته و مورد دقت و تقدیر خویش قرار داده‌اند و اگرچه اینان مانند هرودوت و گزنفون و دیگران که نامبرده‌ایم مستقیماً با حیات ایرانیان عصر هخامنشی مواجه نبوده‌اند ولی از روی سبک دقیق و کنجکاوانه خود اظهاراتی در پیرامون نتایج تربیتی ایران آنعصر نموده‌اند.

برای اینکه مردم ایران امروز بدانند معنویات و تمدن نیاکان ما چه ابهت و عظمتی در نزد محققین بزرگ و برخی از سرآمدان دانش در اینزمان نیز دارد بذکر چندی از آنها در پیرو اینگفتار مبادرت گردید. هرگاه بنا بر این میشد که خواطر و آراء ایرانشناسان و محققین تمام ملک معاصر را راجع بایران باستان تدوین مینمودیم کتابها بدید می‌آمد ولی آنچه در اینجا آورده شده نمونه ای چند بیش نیست.

سایگر ایران شناس آلمانی:

در نظر محققین سرچشمه بعضی از بهترین مایه‌های مدنیت مغرب زمین از تعلیمات اخلاقی و منابع تمدن ایران باستان تراوش نموده و زردشت قدیمترین معلم و مبلغ همان نظریات و

۱ - نفوذ مدنی ایران
باستان در تمدن غربی

تأثیر تربیت ایران باستان، نوامیت یندار و کردار درست

دستورهائی است که امروز در عوالم تمدن (غربی) موجد رفاه مادی و معنوی بشر است ^۱.

روپ ایران شناس آلمانی :

گذشته از اینکه ایرانیان طبع بلند و نظریات عالی داشته و ^۲ - تأثیر تربیت ایران باستان، مابل بترقی بودند بعلاوه حدیث زیادی نیز در عملی کردن نوامیت یندار و کردار درست نظریات خود داشتند. این دو خصلت یعنی افکار پاک و بلند و اجرای بی کم و کاست آن تباینی با یکدیگر نداشت و در واقع هر دو متمم و مکمل یکدیگر میبود. این دو صفت که وای ترقی یک جامعه و ملتی کافی است در تعالیم آئین زردشت دیده میشود زیرا بنابر تعالیم او شخص باید هم دارای یندار و گفتار نیک باشد و هم باید آنرا با کردار نیکو توأم ساخته نتایج نیک بچنگ آورد. اخلاق نیکو و تزکیه روح و فواید آن در عوالم معنوی از یکطرف و نتایج آن در امور اجتماع و پیشرفت سوسی مراحل فراتر تمدن از طرف دیگر جامعه و ملتی را بسوی سعادت راهنمایی میکند. این سعادت مادی و معنوی نتیجه تعلیمات اخلاقی و آئین فرهنگدی و کیش می مزدائی است.

تفوذ فوق العاده روحانی و دخالت روحانیان در امور سیاسی ^۳ - بی آلابشی آئین که نتیجه آن احداث موانع در مقابل ترقی هات است و در تاریخ ملل قدیمه هم اثرات سوء آن دیده میشود در مذهب اهورامزدا دیگرگون بود. هر چه اسرار مال قدیمه بیشتر بر ما کشف شود و بیشتر باصول عقاید آنان مطلع گردیم با اهمیت ایران و آئین آن در عوالم تمدن بیشتر آگاه خواهیم شد و اینک چه گونه مقصود از زندگانی را بایک نظر سلیم و درستی یافته و بطرف آمال مقدس و بلندی رهسپار گردیده است. این تعالیم ایرانیان را وادار کرد که تمام آفرینش و آثار طبیعت را که انسان میتواند از آنها بهره مند گردد احترام کنند. این یک خصلت بزرگ و مقدسی بود که در نتیجه حالت طبیعی ایران در روح ایرانیان متمکن گردیده بود. همین روح کنجکاو

۱ - Geiger. Wilhelm, Ostiranische Kultur im Altertum, Erlangen, 1882.

تعلیم و تربیت ایران باستان

و حقیقت جوئی بود که آنها را بشاهراه راستی هدایت نمود بطوریکه در هر يك از آثار و حوادث طبیعت يك حیات مقدس مخصوصی مشاهده نمودند. حتی جمادات و اشیاء بی جان را مانند خورشید و ماه و ستارگان نیز پرتوی از فروغ ایزدی میدیدند و برای پرسش و شکرگزاری اهورای یکما آنها را واسطه و وسیله قرار میدادند.^۱

سرپرسی سایکس ایران شناس انگلیسی :

صفات اخلاقی ایرانیان باستانی، بطوریکه مورخین ذکر کرده اند
۲ - سجایای زیننده
نیک خوئی، مردانگی، شست کار، راستگوئی است که سایر
سجایای زیننده اخلاقی زاده آنهاست ایرانیان از وام گرفتار گریزان بودند و
مهمان نوازی و دست و دل بازی آنها معروف است.

مسئولیت توسعه خانواد، و بسیاری فرزندان در میان ایرانیان
۳ - مسئولیت توسعه خانواده
قدیم و معاصر سعادت مرده میشود و از این لحاظ عاقلتر
از اروپائیان جدید میباشد که از مسئولیت توسعه خانواده شانه خالی میکنند.
پدران ماناد داده شده بود که ما (اروپائیان) برای تمام
۴ - تاثیر تمدن
صنایع و کلیت تمدن خود، رهون به یونان هستیم ولی در
دوره معاصر ما (در نتیجه کوششهای عامی) اعتراف شده
است به اینکه یونانها شاگرد ایرانیها و معربها و کریت ولیدیه بودند.^۲

دارمستر ایران شناس شهیر فرانسوی :

اسکندر در نظر داشت شرف و غرب یعنی عالم متمدن آن
۷ - اسکندر و ایران
روز را باهم آمیخته و دولت ما عظمتی بوجود آورد اما
موفقینی حاصل نکرد اسکندر در اجرای نیت خود یونان را به صورت ایران در
آورد ولی نتوانست ایران را بشکل یونان در آورد. از گذر فاتحانه یونان باسیا

۱ - Rapp, Adolf *The Religion and Sitts der Perser und ubrigen Iraner* Nach den Griechischen und Römischen Quellen, ZDMG 19:1-89, 20:49-204.

۲ - Sykes, Sir P. M. *A History of Persia*, (2nd ed. London, 1927.) vol. I

مملکت ایران جز اسم پرهیا هوولی بوچ اسکندر چیز دیگری درخاطره خود نگاه نداشت ۱ .

رنه گروسه مؤلف تاریخ صنایع شرق نزدیک:

ایرانیها در صحنه تاریخ در نظر ما بدون هیچ تردید یکی از شریفترین نژادهای دنیای قدیم بشمار آیند. حس شرافت و روح جوانمردی آنها بعد از سبیت و توحش آشور و بابل آرامش روح است. از ایندا که ایرانیها ظهور میکنند احساس مینمائیم که از نژاد خود ما هستند. یونانیها در اشتباه نبوده اند که ایرانیان را همانوردان قابل دانسته و مافوق ملل دیگر می شمردند .

۸- حس شرافت و روح جوانمردی

ایرانیها ثابت نمودند که برای رسالت آریائی در شرق نمایندگان لایقی میباشند. حتی اینرا میتوان گفت که ایرانیها و رومیها تنها دولت سیای قدیم بودند که توانستند امپراطوری بزرگ باثباتی ایجاد نمایند و این امر مهمی بود که یونانیها با وجود خصوصیات درخشانشان هیچوقت و ابلیت احراز آنرا نداشتند .

۹- رسالت آریانیهای ایرانی در شرق

این مسئله را نمینوار یکی از افتخارات کوچک نژاد آریائی شمرد که دولت هخامنشی پدید آورنده اولین صالح عمومی روسیاه وحدت شرق وسطی گردید . دولت هخامنشی آراینده و برقرار کننده صالح پاینده و بسیار سودمندی بود و این در سرزمینهای بوده که نژادهای دیگر در امتداد هزاران سال جز تفرقه و فجاجی کار دیگری بظهور نرسانیده بودند . مدنیت ماد و پارس یکی از درخشانتترین مدنیت های شرق بوده است . شهادت نویسندگان قدیم و کاوشهای عصر حاضر این حقایق را بثبوت رسانیده است ۲ .

۱- Darmesteter, James *Etude Iranienne*, Paris 1883.

۲- Grousset, René *The Civilizations of the East, the Near and Middle East*, New York & London, 1931, Engl. tr. by C. A. Phillips, p. 118-119.

استاد میه فرانسوی:

آزادی خیال و غیرت و همیت مذهبی ، هوش تند و تیز و ذوق مخصوص برای چیزهای نوظهور اخلاقی که همیشه از خصایص ایرانیان بود در گاتهای زردشت بخوبی دیده میشود .

۱۰ - خصائص
ایرانیان باستانی

استاد ویتنی امریکائی:

ایران از عهد کوروش بعد تا جنگ ماران بسیار متمدن و توانا و قوش بزرگترین ملت روی زمین بود . هنوز رم طفل و اروپای جدید با هرصه وجود نگذاشته بود ، یونان

۱۱ - قانونگزاری
برای جهان

مملکت متمدن نبود . ملتش بچندین طایفه منقسم و از بیم لشکر ایران چندی باهم متفق شدند . ایران در این زمان برای جهان قوانین وضع نمود و مذهب بوجود آورد . این مذهبی است که در اوستای زردشت بیان شده است . پس از آن عیسی ، خواه انسان و خواه خدا ، او (زردشت) را پیروی نمود و همان پیام را موعظه میکرد و در سر آن ایستادگی نمود تا آنکه بالای دار جان سپرد . با آنکه این شرف بزرگی است از برای کسی که در سر عقیده خود پافشرده جان خود را فدا کند ولی از برای عیسی چگونه ممکن بود آئینی را که زردشت در جزوه اندیشه نیک و گمتار نیک و کردار نیک غالباً تکرار کرده است بهتر و پاکتر از او بیان نماید .

آیا این سه کلمه دارای همه چیز نیست و اساس کلیه مذاهب

۱۲ - بیان تمام
مذاهب

شمرده نمیشود ؟ آیا ممکن است کسی از مرسلین پارسا

چیزی بآن بیفزاید ؟ شاید کسی در جواب بگوید آری عشق

عیسی را نیز میتوان ضمیمه این اصول قرارداد . اما کسی را که اندیشه خوب و پاک

است نه تنها عیسی بلکه سراسر جهان و خالقش را دوستار خواهد بود . کسی را که

۱ - Meillet, A. *Trois Conférences sur les Gathas de l'Avesta, faites à l'Université*

d'Upsal. Paris, 1925. (Annales du Musée Guimet, Bibliothèque de vulgarisation, 44.)

اندیشه پاك است ناگزیر دل هم پاك است . همیشه اندیشه نيك اساس و بنیان حقیقی
گفتار نيك و کردار نيكو است ^۱ .

استادبارتولد ایرانشناس روسی :

در چه اهمیت امپراطوری هخامنشی برای ملتی که موجود آن بود

کمتر از اهمیتی بود که همین دولت برای معاصرین متمدن آن در

برداشت . توسعه دائره معلومات جغرافیائی و کلیه افق دانش

نمایندگان تمدن یونانی که هرودوت و اسلاف وی در تألیفات خود از آن سخن میرانند

فقط در زیر سایه فتوحات ایران حاصل آمده بود ^۲ .

رضا توفیق فیلسوف و ایرانشناس ترك :

در وجود متین و محکم ایرانیان قدرت اراده و مقاومت

غیر قابل انکاری بوده است . این است که در مقابل شداید

يك کشور حیات پر خطری در کوهها و صخره‌های پر زحمت

گذرانده بتهلکهای بی شمار راست آمده و همیشه به نبرد با مشکلات و مغلوب نمودن

موانع و سختیهای خوی گرفته تا این زندگانی کوشان متانت و صلابت آهنینی باراده

ایشان بخشیده است . از این همه تکاپو در میان مخاطرات و مبارزه بادشواریهایی

زندگی ایرانیان جسارت و جدیت کسب بشموده اند .

لیکن تجربه‌های حیات پر زحمت قوه مخیله ایرانی را مکدر

ساخته است . زیرا روح ایرانی از وقوعات و طهورات مظلم

متأثر و سست میشود . حتی این حال در عادات و اعتقادات

آنان هم منعکس میشود و اگر این همه فتور بهمان اندازه تولید سعی و غیرت در

روح ایرانی نکرده و او را سوق به فیروزی نمیداد باحراز مظفریت به عنصر

۱۵ - ناسرو قایع

در روح ایرانیان

۱ - Whitney, L. H. *Life and Teachings of Zoroaster, the Great Persian*, (Chicago, 1863).

۲ - جغرافیای تاریخی ایران نالف استاد بار تولد ترجمه حمزه سردادور ص ۲۴ طهران (۱۳۰۸).

شرقی تشویق نمی کرد. این مایوسی از برای تکامل معنویشان فلاکت بزرگی تشکیل میداد. و حال آنکه فلاکت و تهلکه‌های حیات هرچه بیشتر بوده بهمان اندازه به روح و مزاج ایرانی متانت آهنین بخشیده‌است.

از خصایص ممتاز روح ایرانی باستانی آنست که هر چیز را به
صراحت و وضوح ببیند، بحکم عقل تبعیت کند، هر چیز
را بخون سردی و اعتدال محاکمه نماید.

۱۶- صراحت، حوسردی
و اعتدال

در مزاج ایرانی قدیم خیال پرستی نبوده‌است. اینها نسبت بتخیلات
رنگین و واهی هندیها تماماً بیگانه بوده‌اند مثلاً بعضی از
چامه‌های قدسی قدیمیشان بیک حسن و زیبایی بزرگی

۱۷- خیال پرستی در ایران
قدیم وجود نداشت

آراسته است لکن این کمال حسن صوری منبث از ظرافت اسلوب نبوده
بلکه از قدرت بلاغتی است که محمول فکر و اعتقاد پاک و علوی را بافاده متین
و قطعی ایضاح و ارائه میکند.

کامه‌آسایی و فطرت‌نظر اساسی ایرانی باستانی زندگی و وسائل حیاتیه

است. حتی افکار متعلق بالهیات و اعتقادات را هم بیشتر از

۱۸- توجه مسائل حیاتی

آنکه تصورات ما بعدالطبیعه و تصرفات منطعیه علاوه دار بشود در خصوص توفیق
و تطبیق نمودن فوای فطریه با مقادیر عمایه نمونه و جهادات نشان میدهد.

باوجود این نمیخواهیم گوییم که در ایران قدیم فسحت و وسعت خیال موجود
نبوده است. بالعکس ایرانیان خیال کارهای بزرگ داشته‌اند. بدین لحاظ است که از
یک طرف تا نهر دانوب (طونه) از طرف دیگر تا کشور حبش پیش رفتند.

همچنین با یک نظر چندان وسیع و شاملی بنمای کائنات نگریسته‌اند که امروزه
موجب حیرت ماها میشود. ایرانیها تمام مسائل غامضه و معضله‌ای را که انسان را علقه
دار میکند با نظر بسیار وسیعی احاطه نموده اشیا و امور متضاد را باوضع متقابلهای
که دارند بطور مناسب تالیف و بشکل هم آهنگ و استواری موزون ساخته‌اند.

اخلاق عملی

مثلا الوهیت را با انسانیت، خیر را با شر، دنیا را با آخرت با جدیت و اهمیت تلقی نموده و وضع متقابله شان را با دیده دقت بطور صریح روشن ساخته و چنانکه شاید تعریف و توصیف نموده اند و اینهمه احکام متضاده را بشکل عقیده جامع و جمعی بهم پیوسته اند.

کامه اصلی دین قدیم ایرانی اخلاق عملی بوده است و این خود مهمترین غایه ای است که انسان را میتواند بدین مقصد برساند. از این روی برای بدست آوردن کامه شرایط راهمیشه در نظر باید گرفت.

۱۹ - اخلاق

عملی

البته در دنیا شر هم موجود است. این است که پس از آنکه اعتقاد ایرانی وجود این ماده متضاده را آموخت انسان همیشه بخیر نموده است که با شر جنگیده در پیروزی و غلبه خیر کوشش نماید. سایر این میتوان گفت که در روح ایرانی از برای فایق و غالب بودن خیر بر شر عزمی قوی ولایتناهی موجود است و این حس شریفترین سرچشمه الهام در راه نگاه مییابد.

مردمی که دین خود را از دیگران نکرفته بلکه تنها از الهامات علوی و ذکاوت ملی خود او تراوش نموده است البته احکام اعتقادی و اخلاقشان هم حقیقه منعکس سجایای خود خواهد بود

۲۰ - انکار

مذهب

و این حقیقت را شاید انکار نمود. زیرا که روحیات و سجایای يك مات بطور صریح انعکاس تجلیات معنوی او است. بنابراین روح ایرانی با این سجایای اخلاقی که نشان میدهد شایان پسند و ستایش است.

حتی از این نقطه نظر فرق مهمی میان ایرانی و هندی نمایانست

و آن اینست که دین هندی بجای وضع قانون مجادله با شر از

۲۱ - فرق میان مذهب

ایرانی و هندی

آنجائیکه طبیعت و ماهیت دنیا را همیشه به شر و خبثات مقرون

میداند قاعده نفی وجود را قبول و توصیه میکند و این حقیقه بمعنی مجرد از حیات

ومردن در حال زنده بودن است .

کتاب دینی هندی « ودانتا » جنگ با شر را در حقیقت محو و افشای شخص در خویش میدانند . بنابراین نبود با دشمن مغلوب ناشدنی در حکم خود کشی است . در صورتیکه ایرانی در این خصوص هم مجاهده کرده و هم غلبه را بطور مردانه و عزتمکارانه فهمیده و این شکل زندگانی و دستور العمل ادامه حیات را بدینگونه پیش گرفته است .

شر در نظر ایرانی مرگ است ، چونکه نتیجه شر بمرگ می انجامد . لکن خیر حیات و حیات پاک است . لهذا از برای تأمین غلبه خیر بر شر حیات را پاک و پرمایه باید نمود .

بنابراین فضایل عملی و اخلاقی را که دین ایرانی باستانی
۲۲- خلاصه اصول اخلاقی
توصیه میکند میتوان چنین خلاصه نمود :

در زندگانی باید دائماً فیض و فراوانی و برکت را افزود
با کمال شوق و توانائی ایمان جنگ دائمی (جهاد مقدس) بر علیه شر
باید داشت .

با پاکی بدن و روح باید همیشه تندرست و توانا بود .
با عفت و نیرومندی باید در مقابل همگی دشواریها و سختیها جسور و فداکار بود .
هیچ شبهه نیست که اینچنین اعتقاد اثر ایمان و اراده يك طبيعت پاک نژاد ،
پاکدامن . تندرست . اصیل . جسور . مردانه و غیور می باشد .

آنچه در بالا ذکر شده شمه‌ای از عقاید ایرانیان است .
۲۳ - پایان سخن
عصر جدید نسبت به تأثیرات تمدن ایران باستان میباشد .

بسی از متفکرین و محققین دنیای متمدن در قرن نوزدهم و بیستم بیاناتی راجع

۱ - رجوع شود مقاله رضا یوفیق در زیر عنوان « عرق ایرانی » قسمت سوم در مجله
« فارسی و مراسم » پاریس « چاپ استانبول (۷ ژوئن ۱۹۲۱) سال اول شماره ۴ ص ۵۸-۶۲ .

پایان سخن

بمقام تربیت و فرهنگ ایران باستان نمودند که ذکر تمام آنها در این نامه کوتاه ننگهد . اخلاق و تمدن نیاکان ما را نباید ناشی از صفات فردی یا شخصی دانست بلکه باید اذعان نمود که سبک تعلیم و تربیت و فلسفه اجتماع و تعلیمات دینی آنها سرچشمه این نوع رفتار و کردار و آثار مدنی بوده و محرک اصلی آنها گردیده است .

فرجام

در پیرامون نگرش دوگانگی نسبی

از آنچه تا کنون دیده و بازرسیده و دریافته ایم وجود عقیده
دوگانگی در حیات فکری و عملی ایرانیها عامل شاخصی
بوده و این عقیده را تدریجاً بتمام شئون زندگی خود
اطلاق کرده بودند. آرمانها و مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را بصورت مسنعار
امشاسپندان و ایزدان و صورت منفی اینها را بعنوان دیوان و ددان در آورده بودند.
کامه آنها چیرگی نیروهای خوبی رسان واهورامزدائی در سرانجام بوده و راه
آنها بوسیله درهم شکستن و برانداختن نیروهای اهریمنی و مظاهر آن رسان
فقر و فاقه و ناخوشیها و هرنوع اثر فساد می پنداشتند.

هر گونه پیشرفت متمایز را نشانه چیرگی نیروهای خوبی
و هر گونه پسرفت را به نیروی اهریمنی نسبت میدادند.

سازش سعادن فرد
بامصالح جامعه

مصالح فرد و جامعه نیز در این زد و خورد دائمی باهم سازش
کامل داشت و متمم یکدیگر بود. از لحاظ فلسفه تربیت این نگرش نه تنها
تجهیز و پرورش تمام استعداد های فردی را در بر داشت بلکه متضمن پرورش
خصائص مطلوب در شخص از دیده عضویت او در حیات جمعی میبود.

حاصیت نگرش
دوگانگی

گنجایش گستردن این نگرش بحدی است که هر گاه برای
ایرانیان باستانی میسر بود نقطه نظر علمی را بآن اطلاق
نمایند و از رسوخ موهومات در آن جلوگیری کنند قابلیت
آنها داشت که تمدید و تکامل سعادت را برای آنان تأمین نماید.

ظاهراً ایرانیان باستانی متوجه نسبت آن . بمفهوم علمی .
 نشده بودند . دوگانگی نسبی حقیقتی واقعی در تمام امور
 حیات بشری است . نه خوبی مطلق و نه بدی مطلق فی حد ذاته
 وجود دارد و سرحد میان حقیقت و مجاز موهومی است و حتی شاید بتوان گفت میزان
 خوبی و بدی به نسبت تأثیر مثبت یا منفی آن سعادت نسبی فرد در حیات جمعی است .
 تکامل و ارتقاء نسبی و تدریجی است و انحطاط نیز نسبی و
 تدریجی است و هر گاه نظر او عملاً متوجه نسبت و تدریج هر یک
 بوده باشیم حفظ تعادل و موازنه آسانتر بوده و تمديد تکامل
 سعادت میسر خواهد بود .

ماهیت
خوبی و بدی

سبب ارتقاء
و انحطاط

دوگانگی ایرانیان باستانی یا قوای گسست و پیوست که در
 هر چیز وجود داشت همان حقیقت تنازع بقاء در میان
 عوامل حیات و موجودات است . جز آنکه انتقال و توجه دائمی
 بوجود دو قوه متخاصم . از لحاظ روانشناسی اجتماعی . بکار اندازنده قوه محرکه
 (دینامیک) مرد و جامعه و وسیله مساویت از حال ایستادگی (استاتیک) میباشد .
 توسعه علوم و تسلط روز افزون بطبیعت و گستردن دایره فن
 سنجش و پیدایش در تمام امور بشری نشانه توسعه و تهذیب
 وسائل و استفاده غیر مستقیمانه از همان نگرش است . منتهی اینکه باید هتیار بود که
 وسائل را در کرسی گامه نشاییده و منظور واقعی را از نظر دور ساخت .

دوگانگی و تنازع
بقاء

گامه و وسائل

امروز نیز میتوان نگرش زد و خورد شدید میان نیروی
 اهورا مزدا (دانش زنده) و مظاهر اهریمنی را که هر نوع
 بیداشی و ناتوانائی باشد . بویژه باجنبه نغز و شاعرانه آن حفظ نموده و بتمام شئون
 دائم التغییر زندگانی اطلاق نمود . این نگرش پرمایه هم در خور دشمن است و هم
 قابل دوست . قابلیت آنرا دارد که نمایندگان تمام مراحل هوشی و فوقی در جامعه
 را برخوردار کند . این نگرش کاملاً منطبق باخصائص روحی نژاد آریائی است .

دوگانگی نسبی

خلیم و بریت ایران باستان

منتهی آنکه شایسته است (الف) گامه‌های اجتماعی از لحاظ
سازش حوائج فرد با مصالح جمعی برگزیده شود بطوریکه
توأمأ متوجه تکامل دائمی تمامیت حیات هر دو باشد، (ب) تجهیز
و تهذیب تدریجی و دائمی تمام قوای تعرض و دفاع فردی و جمعی برای رسیدن بگامه‌ها،
(ج) تحدید و تدرج گامه‌ها، استفاده از روش عامی و دانسته‌های علوم جدید
تا بمرحلهٔ وصال . والله اعلم .

روس دو گامگی
سی

پایان جلد اول

مصحح طبع کتاب مهدی اکباتانی



تهران چاپخانه روشنائی

فهرست عمومی الفبائی

نظر بدشواریهایی که انتشار این کتاب را بتأخیر انداخت ، فهرست عمومی الفبائی که برای پایان این جلد فراهم شده و در مقدمه نیز بآن اشاره گردیده بود ، تاگزیر از الحاق آن بجلد اول صرف نظر شده و در پایان جلد دوم آورده خواهد شد .

غلطنامه

صحيح	غلط	صفحه	سطر	صحيح	غلط	صفحه	سطر
بردياي دروغی	بردياي دروغی	۱۶	۱۳۵	تريبت مقدماتی	تريبت مقدماتی و علمی	۲۲	ب
موسوم به گمنا				و آموزگار			
از دست داد	از دست داد	۱	۱۴۷	شيبگان	شيبگان	۲۳	ج
بارسی های	بارسبهای	۲	۱۶۲	خرنو آسنا	خرنو آسنا	۲۳	۲۸
سنگتراشبهای	سنگتراشبهای	۲	۱۶۳	Xratu-asna	Xvatu-asna	۲۴	۲۸
فرزندان	فرزندان	۸	۱۷۴	پسروان ديگر	سنا بر سروان ديگر	۱۳	۲۹
گوروش	گوروش	۱۶	۱۷۴	راست برين دانش	علم راست برين	۷	۴۲
با تقيرانی	با تقيرانی	۸	۱۸۵	نشأ	نشأ	۲۱	۶۱
افباس نمودند	افباس نمودند	۲	۱۹۲	اهرمين روح بدی	اهرمين روح بدی	۲۲	۶۲
دو سر	دو سر	۲۵	۲۰۹	جهان است	جهان است	۲۳	۶۲
ستاینگس	سنيگاس	۲۲	۲۱۶	بدو قسمت	بدو قسمت	۱۹	۶۳
اجناتی	اجنا	۱۴	۲۳۴	و نیز بمعنی زراعت	وزراعت	۱۷	۶۵
دیو لا فوا	دیو لا فرا	۲۱	۲۳۵	قوم ایرای بود	قوم ایرای	۲۰	۶۸
بهراس	بجراس	۹	۲۴۳	بیزمعنی پهلوان	معنی پهلوان	۲۵	۶۸
گوئی	بوئی	۱۴	۲۵۴	و یلان	ویلان	۹	۷۱
خبری	خبری	۱۹	۲۶۲	ریک	ریک	۲	۷۵
همایوی	همایوی	۷	۲۶۷	(معنی میراث و تخت)			
کداهای	کداهای	۲۳	۲۸۱	وصیفه	وصفه	۱۶	۸۶
خاص	مخصوص	۱۰	۲۸۵	در	دو	۵	۹۵
تريبت	تريبت	۴	۲۹۲	Treasure of the Oxus	Treasure of Oxus	۱۷	۹۵
یکدیگر	بکدیگر	۱	۲۹۳	بزیادداشت س ۲۸۶			
و استانیهای	و سایر ایران	۲۴	۲۹۳	هوک	هوک	۲۸	۹۶
دیگر از آن	از روزگاران	۱۱	۲۹۷	و بت در پهلوی	و پهلوی	۲۳	۹۹
از روزگاران	از روزگاران	۱۱	۲۹۷	و نیز معنی ایگرن	و چون زن	۱۰	۱۰۰
موافقت	موافقت	۹۳	۳۰۷	تاریخ	تاریخ	۱۶	۱۰۰
در عین حال	در عین حا	۱۹	۳۰۸	مبني بر	مبني بر	۲۳	۱۰۲
				که عمومیت داشته بوده	که عمومیت داشته باشد	۲۴	۱۰۲
				برای زن	بران زن	۶	۱۰۳
				ذکر شده بود	ذکر شده بود	۲۹	۱۰۷
				(ناهد) ایزد آب	(ناهد) ایزد آب	۹	۱۰۸
				در اینزمینه	در اینزمینه	۲۱	۱۱۵
				این سه طبقه	این کلمه	۱۴	۱۱۸
				کرماشاه	کرماشاه	۱۵	۱۳۱
				Ancienne	Ancenne	۸	۱۳۱

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶	۳۰۹	نقوش برجسته	نقوش برجسته	۲۰	۳۲۹	سقاره	ستاره
۱۸	۳۱۶	واسبان	و پاسبان	۲۳	۳۲۹	بودند	بودند
۲۳	۳۱۶	میتو خرد	میتو خرد	۲۳	۳۲۹	نموده	نموده
۱۲	۳۱۷	یشکوراس	یشکوراس (فیساغورس)	۲۲	۳۳۰	بطمیوس	بطلمیوس
۴	۳۲۰	قلمرو	قلمرو	۲	۳۳۵	بواروش	یکی بواروش
۶	۳۲۰	برسیاومیلیتس	بورسیاومیلیتس	۲	۳۳۵	ارتاکائوش	دیگری ارتاکائوش
۱۹	۳۲۱	q.4	p.4	۱۶	۳۳۶	فرن یستم	فرن یستم
۲	۳۳۲	مراوده خود	مراوده که خود	۲۲	۳۳۷	انتظام	انتظام
۷	۳۲۲	اعنلای	اعنلاء	۳	۳۵۷	روپ	رپ
۲۱	۳۲۲	روز	روز	۱۸	۳۶۳	ايراني	ایرانی
۱۰	۳۲۲	اروا	ارویا	۱۳	۳۶۷	قوه محرکه	قوة متحرکه
۱۸	۳۲۹	گسی	کسی				

جلد دوم همین کتاب

« دوره های اشکانی و ساسانی »

بغلام نویسنده

قریباً منتشر خواهد شد

محل فروش :

« شرکت تضامنی محمد حسن علمی و شرکاء »

خیابان ناصر خسرو - تهران

بهاء : ۴۰ ریال